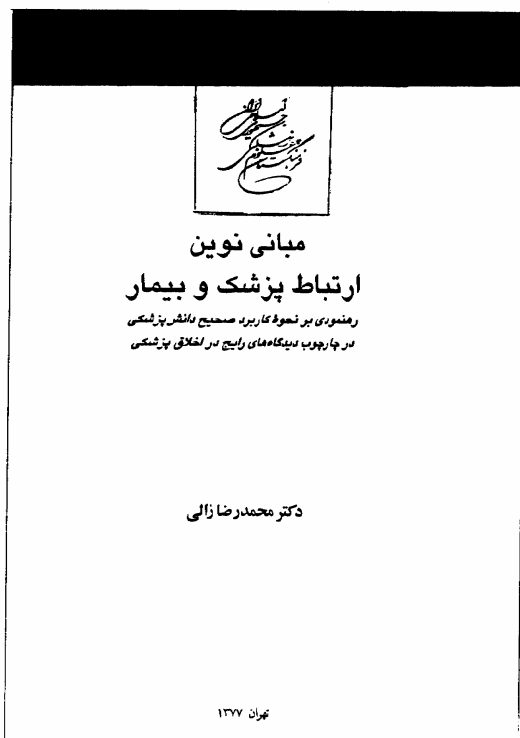


فصلی از یک کتاب

انتخاب از: دکتر ف. شاد



مقدمه

فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران که مجمعی از صاحب نظران و بلند مرتبان عرصه پزشکی را شامل می‌شود دارای شأن علمی والایی و جایگاه بالایی است که فعالیت‌های عرصه‌ای را عهده‌دار است از آن جمله می‌توان به انتشار مجله پژوهشی، فصلنامه گزیده‌ای از تازه‌های پزشکی و کتاب‌های ارزشمند اشاره کرد.

یکی از کتاب‌های منتشره از سوی فرهنگستان علوم پزشکی کتاب خواندنی و قابل تأملی است با عنوان «مبانی نوین ارتباط پزشک و بیمار» که توسط استاد عالی قدر پزشکی کشور جناب دکتر محمدرضا زالی تألیف گردیده است. استاد با بهره‌گیری از نزدیک به ۵۰۰ مقاله علمی و نیز استفاده از تجربیات یک عمر طبابت و تدریس دست به تدوین مجموعه‌ای زده است که خواندن آن را به تمامی دست اندرکاران حرفه‌های پزشکی و از آن جمله همکاران داروساز توصیه می‌کنیم. برای آشنایی با این کتاب فصلی از آن را برای شما برگزیده‌ایم که تقدیم حضورتان می‌شود.

اصول چهارگانه اخلاق پزشکی^(۱)

رفتار پزشک با بیمار در چند دهه گذشته به خاطر ظهور تکنولوژی مدرن و تحولات اجتماعی و سیاسی به وجود آمده در جوامع بشری دچار دگرگونی گشته است. بر اساس چنین تحولاتی اولین بار چیلدرس و بیرچامپ^(۲) اصول پزشکی نوینی را تدوین نمودند که هم اکنون بسیاری از کشورها آن‌ها را به مورد اجرا گذارده‌اند. مطابق این روش یک پزشک در هر رده و گروهی از نظر سیاسی، مذهبی، فرهنگی، شخصیتی و دارای هر نوع اخلاق و روش زندگی که باشد با رعایت این اصول چهارگانه در برخورد با بیمار نه تنها مشکل خاصی نخواهد داشت، بلکه تقریباً تمام اصول اخلاقی و انسانی را نیز مرعی خواهد داشت.

اصول چهارگانه اخلاقی چارچوبی را برای کارکنان بخش بهداشت و درمان فراهم می‌سازد که در محدوده آن بتوانند با انتخاب یک روش ساده و قابل تطبیق با مسایل فرهنگی و اخلاقی و رسوم شایع که به هنگام آرایه خدمات با آن مواجه می‌شوند اندیشه و عمل نمایند. در حقیقت اجرای این اصول یک زبان اخلاقی مشترک محسوب می‌شود که به واسطه آن در موارد به خصوصی از طبابت، زمینه برای ارتباط اصولی و فعالیت‌های علمی، تشخیصی و درمانی فراهم می‌گردد.

این اصول بر چهار رکن اساسی استوار است:

۱- احترام به خودمختاری^(۳)؛

۲ و ۳- آرایه اقدامات مفید و سودمند^(۴) و جلوگیری از آسیب و صدمه؛

۴- عدالت^(۵)

۱- احترام به خودمختاری بیمار

احترام به حریم انسانی و شخصیت مستقل بیماران و آزادی و خودمختاری آنان یکی از اساسی‌ترین اصول اخلاقی پزشکی است. مختار بودن بیمار در امر تصمیم‌گیری و احترام به این امر در حقیقت به معنی آزادی در عمل و رفتار است که تمامی معیارهای اخلاقی را شامل می‌شود. در واقع ارج نهادن به افکار و اندیشه و آزادی عمل افراد است که به عنوان یک اصل روحی و اخلاقی محسوب می‌شود و شامل تصمیماتی است که بر اساس ملاحظات دقیق و یا توجهات ویژه حاصل می‌شود و همه فعالیت‌های حال و آینده بر پایه این تصمیمات استوار است.

احترام به شخصیت و استقلال یک وظیفه اخلاقی است که باید در برخورد با تمام افراد رعایت شود و در مفهوم کلی، خواستن تمام آن چیزهایی برای دیگران است که مورد پسند و مطلوب خودمان می‌باشد. در آرایه خدمات درمانی هم وضع به همین شکل است یعنی آنچه که در نهایت برای خودمان انجام می‌دهیم و یا در نظر می‌گیریم برای بیماران نیز بکار بریم. اگر در انتخاب آزاد باشیم می‌توانیم در مورد آنچه که مربوط به خود ما می‌شود تصمیم بگیریم. احترام به مختار بودن بیمار در پزشکی نیز مفهومی مشابه دارد و ما را مکلف می‌سازد که با مردم و بیماران به مشورت بنشینیم و موافقت آنها را قبل از انجام هر نوع عملی کسب نماییم و سپس اقدام به درمان نماییم؛ اخذ فرم رضایت بیمار قبل از هر اقدامی روشنگر عمل به این اصل می‌باشد.

اعتماد و اطمینان در پزشکی یکی از معیارهای احترام به مختار بودن بیماران است. اگر چه رعایت آن ممکن است برای مردم و بیماران ضرورت نداشته باشد ولی وقتی بیماران به پزشک اعتماد نموده و اسرار خود را با او در میان گذاشتند این پزشک است که وظیفه دارد آنها را به طور کامل و دقیق حفظ و از بازگو کردن آن خودداری نماید. جامعه پزشکی به روشنی و قاطعیت متعهد شده است که هیچ وقت اسرار و اطلاعات بیماران را فاش ننماید.

وفای به عهد یکی دیگر از اصول احترام به شخصیت و استقلال افراد به شمار می‌رود و بر حفظ جان بیمار و منافع او تأکید دارد و همواره مقدم بر منافع شخصی می‌باشد. به عبارت دیگر بیماران بر اساس قول و وعده‌ای که به آنها داده می‌شود و نسبت به اجرای آن تردید ندارند، وجود خود را در اختیار پزشک قرار می‌دهند.

احترام به شخصیت و استقلال افراد برخوردی دوستانه و با صداقت را می‌طلبد. آنان بر اساس صداقت و درستی با یکدیگر پیمان می‌بندند و بر اساس این فرض و تصور است که انتظار ندارند دچار فریب و نیرنگ شوند و این یک اصل اخلاقی و احترام به شخصیت افراد است. بنابراین یکی از راه‌های احترام به خودمختاری بیمار اجتناب از دروغ و نیرنگ است. باید دانست که اغلب افراد در زندگی اجتماعی خود بر پایه راستی و درستی برنامه‌ریزی و رفتار می‌کنند و بر این باورند که کسی به آنها دروغ نمی‌گوید و فریبشان نمی‌دهد. بنابراین در تشخیص و درمان بیماری از

روش‌های غیر اخلاقی، ریاکارانه و فریب دهنده نباید استفاده نماییم و در مورد بیماری حقیقت را پنهان نسازیم تا مجبور به ادای دروغ شویم، به استثنای موارد خاص که با منافع بیمار تضاد داشته باشد.

هم چنین احترام به شخصیت افراد به مفهوم حضور به موقع در وعده ملاقات‌ها می‌باشد، که مصداق بارز وفای به عهد می‌باشد. شکستن قرار ملاقات به معنی شکستن قول‌هایی است که داده‌ایم.

یکی دیگر از مهارت‌های عملی که در رابطه با احترام به شخصیت و حفظ خودمختاری بیماران در حرفه پزشکی باید کسب شود توانایی و قدرت برقراری ارتباط با بیماران و مراجعه کنندگان است. اگر مایل هستیم که بیمار را در تصمیم‌گیری آزاد بگذاریم باید قادر باشیم با آنها ارتباط برقرار نماییم. لازمه برقراری ارتباط خوب گوش فرا دادن و بیان صریح و روشن است که ابتدا می‌توان اطلاعات لازم را به دست آورد و سپس بیماران را از تشخیص، نحوه ایجاد بیماری و درمان به طور دقیق و کافی مطلع ساخت. این ارتباط بسیار مهم می‌باشد و بدین معنی نیست که فقط گوش فرا دهیم بلکه باید به گفتگو و مصاحبه بنشینیم. ارتباط خوب به پزشک امکان می‌دهد تا بیمار را درک نماید و قادر باشد اطلاعات لازم و کافی را به بیمار منتقل سازد و درباره آنچه که قصد انجام آن را دارد از نظرات و عقاید و تمایلات آنها با خبر شود. به علاوه با برقراری یک ارتباط خوب متوجه این نکته خواهیم شد که آیا بیمار نیاز به اطلاعات بیشتری دارد یا خیر؟ زیرا برخی از بیماران

مایل نیستند که خبرهای بد و ناگوار در رابطه با پیش آگهی و سایر نتایج اقدامات انجام شده را دریافت دارند و در امر تصمیم‌گیری و انتخاب روش‌های درمانی هم مشارکت نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند این امور را به پزشک معالج واگذار نمایند.

احترام به چنین نظر و عقیده‌ای هم به مفهوم احترام به آزادی بیماران خواهد بود، ولی تجربه نشان داده است که اکثر بیماران مایل به دریافت اطلاعات کافی هستند تا آنها را در تصمیم‌گیری مساعدت نماید و بدین ترتیب هر چه اطلاعات بیشتر باشد آنها بهتر می‌توانند تصمیم بگیرند.

از تن دوست در سرای مجاز

جان برون آید و نیاید راز

«سنایی»

۳ و ۲- ارایه اقدامات مفید و سودمند و جلوگیری از آسیب و صدمه

باید در نظر داشت که در حرفه پزشکی هدف اصلی کمک به بیمار است. کمک به دیگران به طور اجتناب ناپذیری، خطرها و آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت. بنابراین پزشکان که از نظر شغلی و اخلاقی موظف به کمک و خدمت به دیگران هستند بالطبع باید با نهایت دقت تمام اصول اقدامات مفید و سودمند و دور از آسیب و زیان را در نظر داشته باشند تا مجموعه اقدامات به نفع بیماران تمام شده و هدف نهایی حاصل آید.

از مرور در تاریخچه پزشکی چنین بر می‌آید

که هر نوع اقدامی که برای بیماران انجام می‌شود باید از حداقل آسیب برخوردار باشد. پزشکان به منظور دستیابی به این اصول لازم است تمام ملاحظات اخلاقی را رعایت نمایند. اصول اخلاق در پزشکی به این نکته تأکید دارد که ماحصل هر نوع اقدامی که انجام می‌دهیم باید به نفع بیمار بوده و حداقل صدمه و آسیب جسمی و روحی را به همراه داشته باشد.

برای نیل به این هدف‌ها پزشکان و سایر کارکنان بخش‌های بهداشتی و درمانی باید چارچوب اصول اخلاقی را در یک بعد وسیع رعایت نمایند. بدین معنی که ما باید قادر باشیم از نظر حرفه‌ای طوری خدمات را ارایه دهیم که به نفع بیماران خاتمه یابد. ما باید به بیماران اطمینان دهیم که قادر به انجام اقدامات مفید و سودمند هستیم. این امر به مفهوم تلاش و جدیت در کسب دانش و مهارت‌های لازم و آموزش کافی و موثر است که نه تنها در دوران دانشجویی بلکه در تمام طول طبابت باید ادامه یابد تا بیماران اطمینان حاصل کنند که تلاش و کوشش پزشک به نفع آنها خواهد بود.

از سوی دیگر، باید مطمئن باشیم آنچه که برای بیمار انجام می‌دهیم نتایج سودمندی را در بر خواهد داشت و بررسی میزان سودمندی آن در مورد هر بیمار باید به طور جداگانه انجام شود. به عبارت دیگر ممکن است اقدامی برای یک بیمار اثرات مفیدی در بر داشته باشد، در حالی که همان اقدام برای بیمار دیگر نتیجه منفی و صدمات جسمی و روحی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال عمل برداشتن سینه ممکن است برای یک بیمار

نتیجه مفیدی داشته باشد در حالی که امکان دارد به بیمار دیگر صدمات روحی شدید وارد سازد به طوری که بیمار فکر کند به جنسیت زنانگی او لطمه وارد شده است که تداوم چنین طرز فکری بر تمام طول زندگی او تأثیر سویی خواهد داشت.

بنابراین هر اقدامی برای بهبود بیمار به ویژه زمانی موثر است که برای عقاید و نظرات شخصی او احترام قایل شویم. به همین دلیل برای ارزیابی آن نیازمند آگاهی از نظرات و عقاید او هستیم.

لازم است قبل از هر اقدامی میزان نتایج مفید و خطرات احتمالی را به دقت مورد بررسی و سنجش قرار دهیم تا این احتمالات به طور واضح و روشن مشخص شوند. در مقایسه دو نوع اقدام تشخیصی و درمانی که در یکی احتمال وقوع آسیب اندک ولی نوع عارضه خطرناک می باشد (خطر مرگ و یا معلولیت) و در دیگری احتمال آسیب زیاد ولی نوع عارضه خطر کمتری دارد، باید نوع دوم را انتخاب کرد. هم چنین اگر شرایطی پیش آمده است که با دو نوع اقدام، یکی بسیار مفید که باعث حفظ جان بیمار می گردد و اقدامی که نتیجه آن به احتمال زیاد مفید نخواهد بود مواجه باشیم، از نظر اخلاقی باید موردی را انتخاب نماییم که بیشترین فایده را به حال بیمار داشته و کمترین صدمه و عارضه را نیز به همراه داشته باشد. این امر زمانی امکان پذیر است که به عنوان یک پزشک آگاهی و دانش کافی در مورد اقدامات تشخیصی و درمانی بیماری‌ها داشته باشیم و یا کسب نماییم.

این امر تنها از بررسی نتایج تحقیقات و مقایسه روش‌ها و ارزیابی نتایج و عوارض آنها

میسر خواهد بود و در نهایت با انجام تحقیقات کافی و موثر می‌توان این ارزیابی را قبل از انجام آن بر روی بیماران مشخص نمود.

از جانب دیگر اگر وظیفه شناس باشیم و اقداماتی که انجام می‌دهیم مفید به حال بیمار باشد و هم چنین قبلاً از نظرات و عقاید بیماران و میزان احتمال آسیب‌های اقدامات خود با خبر باشیم، در واقع مجموعه‌ای از اصول اخلاقی را رعایت نموده‌ایم.

یک فرضیه اخلاقی که در سال‌های اخیر در بخش‌های بهداشت و درمان ارایه شده این است که افراد را قادر سازیم تا در مورد سلامت و مراقبت‌های درمانی خود اقدام نموده و آن را تحت کنترل درآورند که مفهوم آن ارایه اطلاعات و آموزش برنامه‌هایی است که بیماران را در مراقبت از خود توانمند کرده و تا مرز خودکفایی می‌رساند. این امر ضمن تأکید بر مختار بودن بیمار ضرورت انجام اقدامات مفید را نیز یادآور می‌شود که در مجموع موجب تقویت حالت خودکفایی در بیماران می‌شود.

بی‌خار، گل نباشد و بی‌نیش، نوش هم
تدبیر چیست؟ کار جهان این چنین فتاد

«حافظ»

۴- عدالت

اصل چهارم اخلاق پزشکی در ارتباط با بیمار رعایت عدل و انصاف است. عدل می‌تواند به معنی صداقت و انصاف نیز باشد که در همه اصول اخلاقی باید در نظر گرفته شود.

در عمل، عدالت مفهومی متعده دارد. لذا قبل از بحث پیرامون آن لازم است آن را در بخش اخلاق پزشکی در سه جهت مورد بررسی قرار دهیم:

۱- توزیع مناسب منابع و امکاناتی که محدود هستند.

(عدالت اجتماعی)

۲- رعایت اصل احترام به حقوق مردم.

(عدالت در حقوق)

۳- حفظ اصل احترام به قوانین که از نظر اخلاقی قابل قبول است.

(عدالت قانونی)

تساوی در قلب عدالت جای دارد ولی عدالت چیزی فراتر از رعایت حق تساوی بین مردم است. البته رعایت حق تساوی به عنوان اصل عدالت مورد بحث است. برخی معتقدند همه افراد را یکسان درمان کردن دور از عدالت خواهد بود بلکه هر کسی را باید برحسب نیاز و ضرورت تحت درمان قرار داد و بعضی‌ها معتقدند که باید حق تساوی را برای همه رعایت کرد، بنابراین توصیه می‌شود، هر چه بیماران از نظر اخلاقی نیاز دارند باید در حد امکان در اختیار آنها قرار داده شود تا بهبودی کامل در درمان حاصل شود.

از نظر پزشکی و بخش ارایه خدمات درمانی و بهداشتی، رعایت اصول عدالت به این صورت اعمال می‌شود که در انجام خدمات نباید نظرات و عقاید شخصی را در نظر داشت بلکه آنچه ضرورت دارد باید ارایه شود. به عنوان مثال

زمانی که منابع در بخش ارایه خدمات درمانی و تشخیصی محدود است باید اولویت‌ها را مشخص نماییم تا افرادی که بیشترین نیاز را دارند از این منابع محدود استفاده نمایند. بنابراین رعایت اولویت‌ها، رعایت حق تساوی افراد و رعایت میزان نیازمندی آنها به طور کلی در تصمیم‌گیری ارایه خدمات نقش خواهند داشت. به عنوان یک پزشک زمانی می‌توانیم این موارد را رعایت نماییم که تصمیمات اتخاذ شده از جانب دولت، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، سازمان نظام پزشکی کشور و یا انجمن‌های پزشکی و مجلس را مد نظر داشته باشیم و جدا از مسایل فوق به عنوان یک طبیب نباید باعث هدر رفتن منابع کشور و افزایش هزینه‌های درمانی شویم.

بهترین استراتژی اخلاقی برای رعایت عدالت این است که ابتدا موقعیت و وضعیت خود را مشخص نماییم بدین معنی که آیا به عنوان یک فرد بیمار و یا پزشک تصمیم می‌گیریم و یا عضوی از بیمارستان، انجمن، جامعه پزشکی و یا فردی از جامعه هستیم که باید تصمیم بگیریم. به عنوان مثال در مورد اقدام به بستن لوله در مردها، باید روشن نماییم که به عنوان یک پزشک چه عقیده‌ای داریم، سیاست بیمارستانی که در آن انجام وظیفه می‌نماییم چیست و در نهایت سیاست جامعه پزشکی و کل جامعه در این رابطه چگونه است؟ سپس برای اخذ تصمیم به عنوان یک پزشک لازم است تمام اصول اخلاقی را رعایت و از تصمیماتی که دور از اصول اخلاقی و عدالت است پرهیز نماییم.

اگر در کشور داروهای گران قیمت و یا کمیاب

ست و یا امکانات تشخیصی و درمانی محدود می‌باشد باید راهی را انتخاب نمود که به صلاح بیمار و کشور است. ممکن است یک دارو، گران قیمت ولی برای درمان بسیار مناسب باشد. در چنین شرایطی منافع بیمار را از جهت سلامتی در نظر می‌گیریم ضمن این که اقدام غیر قانونی نیز انجام ندهیم، در صورتی که داروی ارزان قیمت با تاثیر مساوی وجود دارد به منظور حفظ منافع بیمار از نظر سلامتی و رعایت مسایل اقتصادی، تجویز داروی ارزان‌تر ضرورت خواهد داشت. این امر خود یک اصل عدالت است و از سوی دیگر به منظور حفظ دموکراسی و رعایت عدالت اجتماعی و اخلاقی ناگزیر به اجرای آن می‌باشیم.

از گرفتن رشوه از بیماران، بیمارستان و شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی باید خودداری شود زیرا که در اخذ تصمیم دخالت مستقیم خواهد داشت. هم چنین نباید در بین بیماران بر اساس نظرات و تمایلات شخصی تفاوتی قایل شد و به طور کلی این عوامل نباید در اختصاص منابعی که دارای محدودیت می‌باشد تاثیر بگذارد که خود دور از انصاف و عدالت است. علاوه بر آن، این وظیفه پزشک معالج نیست که از تجویز آنتی بیوتیک به بیماری که سیگار می‌کشد و یا معتاد است و یا مشروبات الکلی مصرف می‌کند و دچار عفونت تنفسی شده خودداری نماید. این امر ممکن است نتیجه کوتاهی در رعایت اصول بهداشتی و تامین سلامت از طرف خود بیمار باشد ولی به مفهوم آن نیست که از ارائه خدمات درمانی به آنها خودداری شود.

پزشک در جایگاهی نیست که برای بیماران

در جامعه «حق» ایجاد نماید و اگر بیمار از شرایط لازم برخوردار نیست نباید او را صاحب حق نمود. به عنوان مثال اگر بیماری قادر به انجام کار است ولی تمایل به چنین کاری را نشان نمی‌دهد نباید او را از کار معاف نمود. هم چنین به عنوان یک پزشک، ما موظف به رعایت حقوق بیماران خود هستیم. رفتار و کردار و روش زندگی آنان نباید ما را از ارائه خدمات مفید و موثر باز دارد. مثلاً اگر بیمار به هر علت دچار بیماری شده است، نباید از صدور گواهی استعلاجی خودداری کنیم، و اگر به علت بیماری توانایی انجام کار را ندارد باید تا زمانی که دچار بیماری است به او کمک نماییم.

گر ایمن کنی مردمان را به داد

خود ایمن بخشبی و از داد شاد

«فردوسی»

زیر نویس‌ها:

1. Medical ethics and four principles
2. Childress and Beauchamp
3. Respect for autonomy
4. Beneficence and maleficent
5. Justice

